

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۵،
صفحات ۲۲-۱

نقد روش های خاورشناسان در تاریخ گذاری آیات و سوره های مکی و مدنی

سید کمال حسینی

دانشیار جامعه المصطفی العالمیه.

سید علی سیداف

استادیار جامعه المصطفی واحد گرگان.

ضیاءالدین انصاری (نویسنده
مسئول)

دانشجو مقطع دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی واحد گرگان

چکیده

این پژوهش به نقد و بررسی روش های خاورشناسان در تاریخ گذاری سوره ها و آیات مکی و مدنی قرآن می پردازد. هدف از این مطالعه، تحلیل روش های تاریخ گذاری به کاررفته توسط پژوهشگران غربی و ارزیابی انطباق یا اختلاف آن ها با سنت علمی اسلامی است. نتایج پژوهش نشان می دهد که رویکردهای خاورشناسان در بسیاری موارد مبتنی بر پیش فرض ها و تصورات شخصی و گاه ذوقی بوده و کمتر از شواهد علمی و تاریخی معتبر بهره برده اند. این امر اغلب به تفاسیر نادرستی از ترتیب زمانی آیات و سوره ها منجر شده است. در این پژوهش، چالش ها و فاصله موجود میان ترتیب تاریخی ارائه شده توسط خاورشناسان و سنت تاریخ نگاری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت بر اهمیت اتخاذ رویکردی میان رشته ای و مستند، بر پایه روایات معتبر، در تاریخ گذاری قرآن تأکید می شود.

واژگان کلیدی: تاریخ گذاری آیات قرآن، ترتیب نزول سوره های مکی و مدنی، رویکرد خاورشناسان

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

Criticism of Orientalists' Methods in Dating Meccan and Medinan Verses and Surahs

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year, Issue 25

Pages 1-22

Seyyed Kamal Hosseini Associate Professor, Al-Mustafa University, Gorgan Branch

Seyyed Ali Seyyedoff Assistant Professor, Al-Mustafa University, Gorgan Branch.

Ziauddin Ansari (Author) PhD Student in Comparative Interpretation, Al-Mustafa University, Gorgan Branch

Abstract

This study reviews and examines the methods of Orientalists in dating the Meccan and Medinan surahs and verses of the Quran. The aim of this study is to analyze the dating methods used by Western researchers and assess their compatibility or discrepancy with the Islamic scholarly tradition. The results of the study show that the approaches of Orientalists are in many cases based on personal and sometimes tasteful assumptions and imaginations and have made less use of reliable scientific and historical evidence. This has often led to incorrect interpretations of the chronological order of verses and surahs. In this study, the challenges and the gap between the historical order presented by Orientalists and the Islamic historiographical tradition are examined and finally the importance of adopting an interdisciplinary and documented approach, based on reliable narrations, in dating the Quran is emphasized.

Keywords: Dating of Quranic verses, order of revelation of Meccan and Medinan surahs, approach of Orientalists

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

تاریخ‌گذاری سوره‌ها و آیات مکی و مدنی را بررسی کرده و ضمن تبیین تفاوت‌های روش‌شناسی، به ارزیابی علمی و جامع این دیدگاه‌ها بپردازد. این بررسی می‌تواند به فهم دقیق‌تر مبانی و معیارهای علمی در تاریخ‌گذاری قرآن کمک کند و زمینه‌ساز استفاده از یافته‌های پژوهشی در مطالعات تطبیقی قرآن و اسلام‌شناسی باشد.

کلیات پژوهش

اصطلاح «تاریخ‌گذاری قرآن» مفهومی است که در دوران جدید توسط اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان غربی مطرح شده و در متون علوم قرآنی کلاسیک مشاهده نمی‌شود؛ هرچند که محتوای مرتبط با تاریخ قرآن در آثاری مانند الاتقان سیوطی، البرهان زرکشی، و مناهل العرفان زرقانی به وفور یافت می‌شود (سیوطی، ۹۱۱ ق؛ زرقانی، ۱۳۶۷ ق؛ زرکشی، ۷۹۴ ق).

در متون کهن اسلامی، نظیر صحیح بخاری و مسلم، احادیثی درباره تدوین و نگارش قرآن و نقش کاتبان وحی آمده است، و زرکشی و سیوطی نیز به مباحثی چون ترتیب آیات و سوره‌ها و تدوین قرآن عثمانی پرداخته‌اند (سیوطی، ۲۰۰۴ م؛ ۲۷/۱؛ زرکشی، ۱۹۵۷ م؛ ۴۱/۱).

در مقابل، خاورشناسان معاصر از میانه قرن نوزدهم با تمرکز بر تاریخ‌گذاری قرآن و تعیین ترتیب نزول سوره‌ها، آثاری قابل توجه تألیف کرده‌اند. پژوهشگران برجسته‌ای مانند تئودور نولدکه، آگوست وایل، رژی بلاشر و دیگران تلاش کرده‌اند تا به تاریخ نزول آیات بپردازند. دکتر محمد حسین علی الصغیر نیز در پژوهش خود این توالی تاریخی را بررسی کرده است (الصغیر، ۱۹۹۰ م؛ ۵-۱۰).

در حوزه مطالعات قرآنی، بحث «تاریخ‌گذاری» آیات و سوره‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که شناخت دقیق زمان و مکان نزول، به فهم بهتر پیام و مقاصد آیات کمک می‌کند. به طور خاص، شناخت تفاوت‌های بین آیات و سوره‌های مکی و مدنی، زمینه‌ساز درک عمیق‌تری از نحوه گسترش دعوت اسلامی، تغییرات اجتماعی و تحولات سیاسی در عصر پیامبر اسلام است. قرآن‌پژوهان مسلمان، بر اساس روایات معتبر و منابع سنتی، معیارهای ویژه‌ای برای شناسایی سوره‌ها و آیات مکی و مدنی تعریف کرده‌اند. آنان غالباً به ترتیب روایتی نزول، سیاق آیات و مضامین تاریخی تکیه دارند که در آثار بزرگان علوم قرآنی مانند سیوطی، زرکشی و زرقانی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.

در مقابل، خاورشناسان با رویکردی متفاوت و اغلب متکی بر تحلیل سبک‌شناسی و زبان‌شناسی به تاریخ‌گذاری آیات پرداخته‌اند. محققانی همچون تئودور نولدکه، گاستون ویلز، رژی بلاشر، ریچارد بل و جان گریم، سعی کرده‌اند با استفاده از معیارهایی مانند لحن، ساختار زبانی و محتوای اجتماعی، سیر تاریخی قرآن را بازسازی کنند. این رویکردها، گرچه در برخی موارد به نتایج قابل توجهی دست یافته‌اند، اما از کاستی‌ها و تناقض‌های متعددی نیز رنج می‌برند. اتکای بیش از حد به سبک‌شناسی و عدم توجه کافی به روایات معتبر اسلامی، باعث شده که ترتیب نزول ارائه شده توسط برخی خاورشناسان، نه تنها با ترتیب روایی مسلمانان ناسازگار باشد، بلکه در میان خود آنان نیز به نتایج متناقضی بینجامد.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل انتقادی این رویکردها، تلاش می‌کند تا نقاط قوت و ضعف روش‌های خاورشناسان در

با این حال، این معیار به مرور به عنوان معیاری غیرقطعی و قابل نقد شناخته شد، زیرا ویژگی‌های سبکی به‌تنهایی نمی‌توانند به عنوان مبنای قطعی تاریخ‌گذاری به کار روند.

بر اساس این معیارها، وایل سوره‌های قرآن را به چهار دسته تقسیم کرد: سه دسته مکی و یک دسته مدنی. او دسته‌های مکی را به سه مقطع تاریخی تقسیم نمود:

دوره اول: از آغاز بعثت تا هجرت به حبشه (۶۱۵ م). ویژگی‌های این دسته شامل آغازی با سوگندها، آیات کوتاه، موزون و احساسی و زبان مملو از تصویرهای شاعرانه است (وایل، ۱۸۴۴م: / ۱۲۳).

دوره دوم: از هجرت به حبشه تا بازگشت پیامبر از طائف (۶۲۰ م).

دوره سوم: از بازگشت پیامبر از طائف تا هجرت به مدینه (سپتامبر ۶۲۲ م).

ویژگی‌های سبکی که وایل برای دسته نخست مکی بیان کرده، از جمله استفاده از سجع و جاذبه‌های شعری، نشانگر اتکالی او به سبک و ظاهر آیات است.

نقد: اما این گونه ویژگی‌ها، به دلیل عدم جامعیت و مانعیت، نمی‌توانند معیار مطمئنی برای طبقه‌بندی قطعی سوره‌ها باشند. به بیانی دیگر، تغییرات سبک در طول نزول وحی اتفاق افتاده است، اما نمی‌توان سوره‌هایی با سبک مشابه را تنها به یک دوره خاص محدود کرد.

بررسی طبقات چهارگانه سوره‌ها بر اساس نظریه وایل

در این تحقیق به‌طور خاص موضوع ترتیب نزول آیات و سوره‌ها مدنظر قرار گرفته است. با توجه به نزول تدریجی قرآن و مقتضیات تاریخی آن، تاریخ‌گذاری آیات ابزار مؤثری برای تفسیر دقیق قرآن کریم به‌شمار می‌آید. بررسی انتقادی رویکردهای خاورشناسان در این حوزه می‌تواند به روشن شدن زوایای مهمی از تاریخ قرآن کمک کند و فهم بهتری از قرآن فراهم آورد.

تحلیل و نقد روش وایل پیرامون تقسیم طبقات چهارگانه سوره‌های قرآن

نظام چهارمرحله‌ای طبقه‌بندی است که نخستین بار توسط گوستاو وایل در کتاب مقدمه تاریخی انتقادی بر قرآن ارائه شد. این روش سپس توسط محققانی همچون تئودور، نولدکه، رژی بلاشر و رودولف توسعه یافت و مبنای مطالعات تاریخ‌گذاری بسیاری قرار گرفت.

وایل برای تاریخ‌گذاری سوره‌ها از سه معیار اصلی بهره جست:

۱. استناد به رخدادهای تاریخی شناخته‌شده: در این روش، وایل از وقایع تاریخی که در منابع دیگر ثبت شده‌اند برای تاریخ‌گذاری آیاتی که به آنها اشاره دارد، استفاده کرده است.

۲. محتوای وحی و شرایط پیامبر: وایل معتقد بود که مضامین آیات، نشان‌دهنده شرایط خاص و وظایف پیامبر اسلام در دوره‌های مختلف رسالت است.

۳. سبک و سیاق زبانی وحی: وی بر اساس لحن، آهنگ، شیوه نثر و سجع عبارات، طبقه‌بندی دیگری از سوره‌ها ارائه کرد (وایل، ۱۸۴۴م: / ۸۹).

نقد: با توجه به محدودیت مشابهی که در طبقه اول وجود داشت، در این طبقه نیز به چشم می‌خورد؛ یعنی نمی‌توان این ویژگی‌ها را به طور انحصاری برای سوره‌های مکی در نظر گرفت.

ویژگی‌های طبقه سوم: سوره‌های مکی پایانی

در طبقه سوم، آیات سوره‌ها بلندتر شده و به نثر نزدیک‌تر شده‌اند. محتوای این سوره‌ها عمدتاً داستان انبیا و جزئیات بیشتری از کیفی‌های اخروی را شامل می‌شود. این ویژگی‌ها بیشتر جنبه خطابه‌ای و نصیحت‌گونه دارند و کمتر احساسی و خیال‌انگیز هستند (وایل، ۲۰۰۷م: / ۳۴)؛ طبری، ۱۳۷۶ش: / ۱۱۲).

نقد آن: با این وجود، همچنان این دسته‌بندی نمی‌تواند به طور قطع زمان و مکان نزول سوره‌ها را مشخص کند و بیشتر جنبه تغلیب دارد، نه جنبه کلی.

۲-۵ ویژگی‌های طبقه چهارم: سوره‌های مدنی

در سوره‌های طبقه چهارم که مدنی دانسته شده‌اند، حوادث پس از هجرت منعکس شده است و آیات به شکلی سیاسی، اجتماعی نزول یافته‌اند. این سوره‌ها نشان‌دهنده گسترش اقتدار پیامبر اسلام (ص) و تحکیم موقعیت سیاسی و اجتماعی او هستند (ابن کثیر، ۱۳۷۹ش: / ۴۵-۴۷).

نقد آن: با این حال، حتی این ویژگی نیز به تنهایی برای تشخیص مدنی بودن سوره‌ها کافی نیست؛ چرا که ممکن است برخی سوره‌ها محتوای مشابهی داشته باشند و در عین حال از حیث مکانی یا زمانی در دسته‌بندی متفاوتی قرار گیرند.

وایل سوره‌های مکی و مدنی را به چهار طبقه متمایز تقسیم کرده است که هر یک از این طبقات دارای ویژگی‌های خاصی است. در ادامه، به توصیف ویژگی‌های این طبقات و نقد آن‌ها از منظر جامعیت و مانعیت خواهیم پرداخت.

ویژگی‌های طبقه اول: سوره‌های مکی نخستین

طبق نظر وایل، سوره‌های نخستین مکی به سبک شعری نزدیک‌تر و کوتاه‌تر هستند و محتوای آن‌ها به مسائل اعتقادی و کلیات مرتبط با ایمان و معاد پرداخته است. وایل این ویژگی‌ها را مختص سوره‌های اولیه می‌داند و از آن‌ها برای تفکیک این سوره‌ها از سایر سوره‌ها استفاده می‌کند (الموردی، ۱۳۷۸ش: / ۸۸-۹۰).

نقد: با این حال، ایراد اصلی این روش این است که کوتاهی آیات یا شعری بودن آن‌ها لزوماً مختص به یک دوره زمانی خاص نیست و موارد نقض زیادی برای این فرضیه وجود دارد. به عنوان مثال، سوره‌هایی چون انعام، اعراف، اسراء، کهف و طه، که همگی طولانی هستند، در مکه نازل شده‌اند. همچنین، در مدینه نیز سوره‌های کوتاه و موجزی مانند نصر، زلزله و بینه نازل شده‌اند. از این رو، به صرف کوتاهی یا بلندی آیات نمی‌توان مکی یا مدنی بودن سوره‌ها را تعیین کرد.

ویژگی‌های طبقه دوم: سوره‌های مکی میانه

در طبقه دوم سوره‌های مکی، آیات بلندتر و به نثر نزدیک‌تر شده و همچنان خیال‌انگیزی و جاذبه شعری در آن‌ها مشاهده می‌شود. این سوره‌ها بیشتر به صفات الهی، اوصاف بهشت و دوزخ، و نشانه‌های الهی در طبیعت می‌پردازند (وائل، ۲۰۰۷م: / ۵۰).

احادیث را از یاران پیامبر (ص) شنیده و برای نسل‌های بعدی بازگو کرده‌اند (بخاری، ۱۳۷۶).

به یاد داشته باشیم که تکیه بر روایات صحیح هرگز با اجتهاد و پژوهش شخصی تناقض ندارد، به ویژه زمانی که روایات صریح و معتبری در دست نباشد. در چنین مواردی، می‌توان با استناد به قرائن و امارات دیگر، متن آیات، تاریخ و سیره پیامبر نظر داد.

نولدکه بر این باور بود که ترتیب زمانی آیات و سوره‌های قرآن باید بر خلاف شیوه اسلامی تنظیم گردد. او روش جدیدی را انتخاب کرد که موجب تأثیرگذاری بر بسیاری از خاورشناسان شد و این افراد از او پیروی کردند، هرچند که به نتایج مشترکی نرسیدند. این نوع تاریخ‌گذاری قرآن به تدریج اذهان خاورشناسان را به خود مشغول ساخت و به اشتباهات عمده‌ای منجر شد که خطرات بزرگی برای پژوهش‌های قرآنی ایجاد کرد.

نولدکه ویژگی‌های مختلفی را برای سوره‌ها در طبقات مختلف ذکر کرده است که به تفصیل در آثارش آمده است. این ویژگی‌ها بر اساس زبان، موضوعات، و سبک بیان سوره‌ها استوار است.

به طور کلی، نولدکه به رغم تأثیرگذار بودن در تاریخ‌نگاری سوره‌های قرآن، با رویکردی که اخبار و روایات صحیح را نادیده می‌گیرد، راهی را انتخاب کرده که می‌تواند موجب درک نادرست و اشتباهات جدی در پژوهش‌های قرآنی شود. بنابراین، ضروری است که پژوهشگران در بررسی تاریخ و ترتیب نزول سوره‌ها به روایات معتبر و منابع اسلامی توجه

نتیجه‌گیری به طور کلی، طبقه‌بندی وایل که بر اساس سبک و ظاهر آیات و سوره‌ها صورت گرفته، به دلیل عدم جامعیت و مانعیت لازم، نمی‌تواند به طور دقیق تمام سوره‌های قرآن را از یکدیگر متمایز و تاریخ نزول آن‌ها را مشخص کند. در حقیقت، نمی‌توان با استناد به ویژگی‌های ظاهری مانند طول آیات و سوره‌ها، به قضاوتی دقیق درباره مکان و زمان نزول سوره‌ها دست یافت. در این راستا، استفاده از نشانه‌ها و معیارهای دیگری چون موضوعات و اهداف سوره‌ها و همچنین منابع تاریخی معتبر، می‌تواند به عنوان راهکارهای مکمل مورد استفاده قرار گیرد تا به نتایجی دقیق‌تر و علمی‌تر دست یابیم.

تحلیل و نقد روش تئودور نولدکه در تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن

تئودور نولدکه، یکی از پژوهشگران برجسته قرآن‌پژوهی، سوره‌های قرآن کریم را بر اساس سه معیاری که گوستاو وایل مطرح کرده است، به چهار طبقه تقسیم کرده است؛ این طبقات شامل سه طبقه مکی و یک طبقه مدنی می‌باشند. نولدکه دستاوردهای تحقیقاتی خود را در کتاب تاریخ قرآن که در سال ۱۸۶۰ میلادی منتشر شده است، ارائه داده است (نلدکه، تئودور، ۱۸۶۰م: ۱/ ۱۰۰).

نقد روش نولدکه در تاریخ‌نگاری قرآن

نولدکه در ترتیب و تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن از روشی جدید بهره برده است که اخبار و روایات صحیح نادیده گرفته می‌شوند؛ در حالی که از صحابه رسول‌الله (ص) روایاتی موجود است که خود شاهد نزول وحی الهی بوده‌اند و زمان و مکان آن را به خوبی می‌شناختند. علاوه بر این، طبقه تابعین نیز این

این آیات نشان می‌دهند که پیامبر (ص) توانایی انتخاب کلمات و بیان آنها را داشته است و ادعای نولدکه مبنی بر عدم اختیار پیامبر در انتخاب کلمات، نادرست و غیرقابل دفاع است. نزاهت قرآن به دلایل عدیده استوار و غیر قابل انکار است (قمی، ۱۳۹۰ش: ۲/ ۲۰۰).

۲-۲-۳ کوتاهی و سجع سوره‌ها

نولدکه همچنین سوره‌های این مقطع از وحی را با غیب‌گویی‌های کاهنان مقایسه کرده و آنها را به کوتاهی و سجع‌دار بودن متهم کرده است. (نلدکه، تئودور، ۱۸۶۰م: ۱/ ۱۰۲).

در حال که این مقایسه نادرست و غیرمنصفانه است. سخن کاهنان معمولاً همراه با تکلف، گنگی، و اباطیل و اراجیف است. در حالی که قرآن کریم از هرگونه نقص و عیبی به دور است و حاوی معانی عمیق و روشن می‌باشد. به عبارت دیگر، قرآن هیچ‌گاه به غیب‌گویی‌های کاهنان شباهت ندارد و نباید تفاوت‌های بنیادین آن دو نادیده گرفته شود (ابن کثیر، ۱۳۷۹ش: ۳/ ۱۵۰).

تئودور نولدکه، سوره‌های نازل شده در مراحل ابتدایی وحی مکی را با ویژگی‌هایی مانند مسجع بودن، کوتاهی، و همراهی با سوگند مورد بررسی قرار داده و آنها را به کهانت کاهنان ملحد و غیب‌گویان پیش از نزول قرآن تشبیه کرده است. این مقایسه به دلایل متعددی نادرست و غیرمنصفانه است؛ زیرا اینکه سخن کاهنان معمولاً مملو از تکلف، ابهام، و اباطیل هستند. در قرآن کریم، هیچ‌یک از این نقص‌ها و عیوب وجود ندارد. قرآن به وضوح و روشنی بیان شده و از سخنان گنگ و غیرمعمول به دور است. به علاوه، سبک و ساختار آیات قرآن

ویژه‌ای داشته باشند و آن را در کنار تحلیل‌های شخصی و اجتهادی خود به کار گیرند.

تحلیل و نقد بروش نولدکه در خصوص دوران نخست وحی در مکه

سوره‌های نازل شده در دوران نخست وحی مکی، از جنبه‌های مختلفی قابل بررسی و تحلیل هستند. در این متن به دو ویژگی اصلی این سوره‌ها پرداخته می‌شود.

هیجان و شدت احساسات پیامبر (ص)،

در سوره‌های مربوط به مرحله اول از وحی مکی، هیجان و تشنج زای پیامبر اکرم (ص) به وضوح نمایان است. این هیجان به حدی است که او گاه نمی‌تواند با دقت و انتخاب صحیح کلمات سخن بگوید و به‌طور ناگهانی آیات را بیان می‌کند.

نقدآن: به رغم ادعای نولدکه مبنی بر اینکه پیامبر در این دوران از انتخاب کلمات خود ناتوان بوده است، باید توجه داشت که قرآن کریم سه آیه وجود دارد که این ادعا را رد می‌کند. این آیات به پیامبر اطمینان می‌دهند که از شتاب ورزیدن در ادای کلمات وحی خودداری کند و به او اعلام می‌دارند که هرگز چیزی از وحی را فراموش نخواهد کرد:

«وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه، ۱۱۴)

«لاتحرک به لسانک لتعجل به انّ علینا جمعه و قرآنه»
(القیامه، ۱۶-۱۷)

«سَتَفَرِّكَ فَلَا تَنسَىٰ» (العز، ۶)

اطمینان گفت که سوره علق قدیمی‌ترین قسمت وحی قرآنی است. به گفته او، روایت‌هایی که حاکی از نخستین بودن این سوره‌اند، به عایشه برمی‌گردد، در حالی که او هنگام نزول وحی نخست به دنیا نیامده بود (ابن کثیر، ۱۳۷۹ش: ۴ / ۶۰)؛ نولدکه، ۱۸۶۰م: و ۱۳۹۳ش: ۱ / ۷۸-۹۰).

اما باید توجه داشت که روایات تعیین وحی نخست بصورت وافر در منابع معتبر فریقین ذکر است، مانند:

۱. در منابع اهل سنت، این روایت از طرق دیگر نیز نقل شده است. به‌عنوان مثال، در المعجم الکبیر، به نقل از ابی رجاء عطاردی آورده است: «ابوموسی اشعری برای ما محفل قرآن تشکیل می‌داد و هنگام تلاوت سوره علق، چنین گفت: این نخستین سوره‌ای است که بر محمد (ص) نازل شده است (طبرانی، ۲۰۰۶م: ۳ / ۲۳۴).

۲. در منابع شیعه نیز روایاتی وجود دارد که به نزول سوره علق به‌عنوان نخستین سوره تأکید می‌کنند. (قمی، ۱۳۹۰، ص ۵۲).

در نهایت، نظریه نولدکه بر سوره‌های مکی و تلاش برای تشبیه آنها به کهانت و غیب‌گویی، با شواهد قرآنی و تاریخی قابل رد است. قرآن کریم نه تنها به لحاظ ساختاری و محتوایی دارای ویژگی‌های متمایز از سخن کاهنان است، بلکه سوگندها و توصیف‌های موجود در آن نیز نشان‌دهنده عمق معانی و تأکید بر حقایق است. خلاصه تحلیل انتقادی بر رویکرد طبقه بندی‌های نظریه نولدکه به شرح زیر قابل نقد است:

۱. شدت هیجان پیامبر: نولدکه اشاره می‌کند که مرحله اول وحی مکی، هیجان به قدری شدید بوده که پیامبر نمی‌توانسته سخنان خود را به راحتی انتخاب کند. این در حالی است که

به گونه‌ای است که در عین اختصار، معانی عمیق و روشنی را به مخاطب منتقل می‌کند و از این رو مقایسه آن با سخنان کاهنان غیرقابل قبول است. (همون، ۱۳۷۹ش: ۳ / ۱۵۱).

آغاز سوره‌ها با سوگند

نولدکه اشاره کرده است که بسیاری از سوره‌ها با سوگند آغاز می‌شوند و این روش، غالباً به کارگیری کاهنان بوده است. برخی از این سوگندها ممکن است به قدری شدید و تند باشند که فهم آن‌ها دشوار است.

نقد آن، این ادعا نیز نادرست است؛ زیرا سوگند در قرآن به منزله تأکید بر حقیقت و اهمیت موضوعات مطرح شده در آیات است و نه به‌عنوان ابزار فریب. در واقع، توصیف‌های قوی از روز رستاخیز، نعمت‌های بهشت و عذاب‌های دوزخ در این سوره‌ها بیان شده است و هرچند برخی سوره‌ها با هیجان بیشتری آغاز می‌شوند، اما این ویژگی تنها مختص برخی از آن‌هاست.

به طور کلی، ویژگی‌های سوره‌های نازل شده در دوران نخست وحی مکی، نشان‌دهنده احساسات و هیجان پیامبر (ص) در فرآیند دریافت وحی است. همچنین، هرگونه شباهت‌سازی بین قرآن و سخنان کاهنان، غیرمنصفانه و نادرست است. از این رو، در تحلیل‌های علمی و پژوهشی باید به دقت به ویژگی‌های متمایز قرآن کریم توجه کرد و از هرگونه قیاس نادرست پرهیز نمود.

۳-۲-۴ دشواری در تعیین تاریخ نزول سوره‌های مکی

نولدکه همچنین به دشواری تعیین تاریخ نزول دقیق سوره‌های مکی اذعان دارد. او اشاره می‌کند که نمی‌توان با

اساس، پژوهش‌های بیشتر در این زمینه و استفاده از روایت‌های معتبر تاریخی و روایی، می‌تواند به درک بهتری از سوره‌های قرآن و زمان نزول آنها کمک کند (قمی، ۱۳۹۰ش: ۵۲/۱).

نقد نظرات نولدکه پیرامون سوره‌های دوران میانی مکه سوره‌های دوران میانی مکه، به‌خصوص از منظر سبک و بیان، ویژگی‌های خاصی دارند که پژوهشگران به بررسی آنها پرداخته‌اند. تئودور نولدکه، قرآن‌شناس آلمانی، در اثر خود «تاریخ قرآن» به تحلیل این سوره‌ها پرداخته و ویژگی‌های خاصی را برای آنها مطرح کرده است:

کاهش شیوه تخیل

نولدکه معتقد است که شیوه تخیل به گونه محسوسی کاهش می‌یابد، با این پیش‌فرض که ویژگی تمثیلی و تخیلی سوره‌های قرآن به تدریج کاهش می‌یابد (نولدکه، ۱۸۶۰م: ۱/۶۴ و ۹۲).

در واقع، هیچ دلیلی وجود ندارد که فرض کنیم حالت استعاری و تمثیلی قرآن، به‌طور مداوم از فراز به نشیب جریان داشته باشد. استعاره، که به‌عنوان یکی از انواع مجاز در بیان شناخته می‌شود، می‌تواند به جذابیت و زیبایی کلام بیفزاید. استعاره از محاسن کلام به شمار می‌آید و باید در موضع مناسب خود به کار رود (ابن رشیق، بی‌تا: ۵۴/۲ - ۶۰).

عبدالقاهر جرجانی در تحلیل خود، استعاره را به دو نوع مفید و غیرمفید تقسیم می‌کند و تأکید می‌کند که تنها استعاره‌های مفید، که هدف و فائده‌ای دارند، به ارزش سخن می‌افزایند (جرجانی، بی‌تا: ۱/۱۰۲).

در قرآن، آیات متعددی وجود دارد که به پیامبر تأکید می‌کند که برای ادای کلمات وحی شتاب نکند و این بیانگر تسلط او بر کلمات است (مانند آیات ۱۸ سوره قصص و ۶ سوره العلق). ابن کثیر، ۱۳۷۹ش: ۳/۴۵-۶۰).

۲. کوتاهی سوره‌ها: نولدکه بر این باور است که سوره‌های این مقطع از وحی، به‌ویژه از نظر طول، کوتاه و به نوعی مسجع‌اند و این خصوصیت را به کهنات کاهنان تشبیه می‌کند. اما در واقع، باید به این نکته توجه کرد که قرآن در مقایسه با کلام کاهنان، خالی از نقص و عیوب کلامی است و از تکلف و گنگی به دور است.

۳. استفاده از سوگند: در بسیاری از سوره‌های ابتدایی، استفاده از سوگند به وضوح مشهود است. نولدکه این روش را عمدتاً مختص کاهنان می‌داند، ولی در واقع باید توجه داشت که هرگونه سوگندی که در قرآن آمده، هدفی مشخص و معنایی عمیق دارد و به آسانی نمی‌توان آن را به کهنات مربوط کرد.

۴. وصف روز قیامت و نعمت‌ها و عذاب‌ها: نولدکه همچنین به وصف‌های پرشور و هیجان‌انگیز از نعمت‌های بهشت و عذاب‌های دوزخ در این سوره‌ها اشاره می‌کند. با این حال، این ویژگی در تمامی سوره‌ها به یکسان وجود ندارد و برخی از سوره‌ها آرام‌تر و ملایم‌تر بیان شده‌اند. (طبرانی، ۲۰۰۶م: ۲/۲۳۴)؛ ابن کثیر، ۱۳۷۹ش: ۴/۳۴۵).

نولدکه با وجود تلاش‌هایش در طبقه‌بندی سوره‌ها و ویژگی‌های آنها، به دشواری‌های جدی در تعیین تاریخ نزول سوره‌های مکی اذعان دارد. این نشان‌دهنده این واقعیت است که ویژگی‌های ادبی و سبک‌شناسی نمی‌تواند به‌تنهایی معیاری قابل اعتماد برای طبقه‌بندی سوره‌ها باشد. بر این

نتیجه‌گیری در نهایت، تحلیل نولدکه از ویژگی‌های سوره‌های دوران میانی مکه، به‌خصوص در زمینه کاهش تخیل و اضطراب پیامبر(ص)، نایجابوده، نیازمند تجدید نظر است. بایسته است که پژوهش‌های عمیق‌تری در این زمینه انجام شود تا واقعیت‌های موجود در سوره‌های قرآن و زمان نزول آنها به‌طور دقیق‌تری مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، اهمیت و زیبایی زبان استعاری در قرآن نباید نادیده گرفته شود.

نقد نظرات نولدکه پیرامون سوره‌های پایانی مکه

در پژوهش‌های قرآن‌پژوهان، به‌ویژه در آثار تئودور نولدکه، ویژگی‌های خاصی برای سوره‌های دوران میانی و پایانی مکه مطرح شده است. این ویژگی‌ها به تحلیل عمیق‌تری نیاز دارند. در این نوشتار، به نقد نظرات نولدکه در مورد سوره‌های پایانی مکه می‌شود.

اشتباه در نسبت سوره فاتحه

نولدکه سوره فاتحه را به مرحله پایانی وحی مکی نسبت داده و شماره ۴۸ را به آن اختصاص داده است (نولدکه، ۱۸۶۰م؛ ۱۳۹۳ش: ۷۸-۹۰).

این در حالی است که سوره فاتحه جزء لاینفک نماز است و وجوب آن به‌عنوان نخستین حکم شرعی در صدر اسلام اعلام شده است. بنابراین، نمی‌توان آن را در ردیف سوره‌های بعدی به شمار آورد. بر اساس جدول ترتیب نزول ارائه‌شده از سوی علمای مسلمان، سوره فاتحه پنجمین سوره‌ای است که در اوایل وحی مکی نازل شده است (قمی، ۱۳۹۰ش: ۱ / ۱۳۰ و ۱۵۰). این کثیر، ۱۳۷۹ش: ۴۶-۶۱).

به‌عنوان مثال، در آیه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (سوره فصلت، آیه ۱۱)، تشبیه مطوی به کار رفته است که باعث زیبایی سخن شده و به آسمان و زمین شخصیتی عقل‌مند و سخنگو نسبت می‌دهد (جرجانی، بی‌تا: ۱ / ۱۱۰).

در نتیجه، نمی‌توان این ادعا را پذیرفت که حالت استعاری و تمثیلی قرآن در حال کاهش است، بلکه این ویژگی به مقتضای حال و موضوعاتی که در قرآن مطرح می‌شود، بر می‌گردد و از اصول بنیادین زبان عربی و بیان آن ناشی می‌شود.

کاهش اضطراب و ناآرامی پیامبر

نولدکه همچنین بر این باور است که در این سوره‌ها، هرچند که هنوز واجد حرارت و هیجان هستند، ولی در مجموع، اضطراب و ناآرامی پیامبر فروکش می‌کند (نولدکه، ۱۸۶۰م؛ و ۱۳۹۳ش: ۴۵-۶۷).

این ادعا نیاز به بررسی دارد، چرا که هیچ شاهی برای نسبت دادن این حالت به پیامبر(ص) ذکر نشده است.

واقعیت این است که هرگاه پیامبر(ص) به عالم غیب متصل می‌شد، نوعی حالت ناآرامی به ایشان دست می‌داد که به‌عنوان «برحاء وحی» شناخته می‌شود. اما این حالت، نشان‌دهنده اضطراب یا ترس نیست، بلکه به‌دلیل درک عظمت و کبریایی مقام حق تعالی است. (قمی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰)

این احساس، نه تنها در مکه بلکه در مدینه نیز وجود داشته و به‌صورت یکپارچه در زمان برقراری ارتباط مستقیم با عالم غیب اتفاق می‌افتاده است (طبری، ۲۰۰۱م: ۴ / ۳۰۱-۳۱۰).

شباهت سبک و بیان

سوره‌های مدنی از لحاظ سبک و بیان شباهت‌های قابل توجهی به سوره‌های آخرین مرحله از دوران مکه دارند. در این سوره‌ها، جلوه‌های فصیح و بلاغی فراوانی وجود دارد و بخش‌های درخشانی به‌ویژه در آیات خطاب به رزمندگان مؤمن مشاهده می‌شود. این ویژگی نشان‌دهنده تحول در زبان و ادبیات قرآن در دوران جدیدی است که پیامبر(ص) در آن به‌عنوان رهبر دینی و اجتماعی شناخته می‌شود (نولدکه، ۱۸۶۰م؛ ۱۳۹۳ش: ۱/۱۶۰-۱۵۳).

تأکید بر قدرت سیاسی پیامبر(ص)

این سوره‌ها به‌وضوح بیانگر قدرت فزاینده سیاسی پیامبر و تشکیل چارچوب اجتماعی امت اسلامی هستند. پیامبر(ص) به‌عنوان رهبر رسمی در دین و امور اجتماعی جامعه مدینه مطرح می‌شود و آیات قرآن در این دوره به تشریح احکام کیفری، قوانین ازدواج و طلاق، و مقررات آداب و مراسم گوناگون پرداخته‌اند، این سوره‌ها به رهنمودهایی درباره مشکلات مقطعی و دعوت به جهاد در راه خدا اشاره دارند (قمی، ۱۳۹۰ش: ۲/۲۱۰).

ذکر اهل کتاب و قطع رابطه با قبایل یهود

در سوره‌های مدنی، بیش از سی مرتبه به افرادی که قبلاً کتاب آسمانی دریافت کرده‌اند، اشاره شده و آنها به‌عنوان (اهل کتاب) معرفی می‌شوند. این دسته به‌طور مشخص از گروه (امیون) نامیده می‌شوند، تفکیک گردیده‌اند. آیات زیادی به قطع رابطه پیامبر(ص) با قبایل یهود و سپس اشاره به شخصیت ابراهیم به‌عنوان بنیان‌گذار خانه کعبه و الگوی نخستین مسلمانان حنیف پرداخته‌اند. این اشاره‌ها به تبیین

ویژگی‌های سوره‌های پایانی وحی مکی

در مرحله پایانی وحی مکی، سوره‌ها بیشتر به‌صورت منشور و با ویژگی‌های خاصی از جمله سبک خطابه‌ای و قصص انبیاء ارائه شده‌اند. نولدکه بر این باور است که این سوره‌ها نمایانگر خشم و رنجش پیامبر(ص) در برابر واکنش‌های منفی هم‌قبیله‌ای‌های مکی هستند (نولدکه، ۱۸۶۰م؛ ۱۳۹۳ش: ۱/۷۸-۹۰).

با این وجود، این تحلیل بیشتر مبتنی بر ظواهر سبک و اسلوب آیات است که قبلاً مورد نقد و بررسی قرار گرفته و نیازی به تکرار آن نیست.

نتیجه‌گیری: تحلیل نولدکه از ویژگی‌های سوره‌های دوران میانی و پایانی مکه نیاز به تجدید نظر دارد. نقد این نظرات نشان می‌دهد که بسیاری از ادعاها بدون شواهد کافی و مستندات قابل قبول مطرح شده‌اند. بر این اساس، ضروری است که پژوهش‌های عمیق‌تری در زمینه ویژگی‌های سوره‌ها و زمان نزول آنها انجام شود.

تحلیل و نقد روش نولدکه پیرامون ویژگی‌های سور دوران وحی مدنی

سوره‌های دوران وحی مدنی به دلیل تحولات اجتماعی و سیاسی که در آن زمان در جامعه اسلامی رخ داد، ویژگی‌های خاصی دارند. این سوره‌ها، از نظر نولدکه تعداد آنها به ۲۴ سوره می‌رسد، دارای سبک و بیانی مشابه با سوره‌های آخرین مرحله از دوران مکه هستند و در نثر آنها جلوه‌های فصیح و زیبایی‌های بلاغی به وضوح مشاهده می‌شود (نولدکه، ۱۸۶۰م؛ ۱۳۹۳ش: ۱/۱۵۲-۱۵۰).

در مقایسه با آیات دیگر این سوره، در این جایگاه قرار گرفته‌اند (رودول، ۱۸۷۶م: ۴۵).

این نظر با شواهد مصحف ناسازگار است، چراکه آیات ۸ تا ۱۱ سوره ملک، دارای تعداد کلماتی نزدیک به سایر آیات (بین ۵ تا ۱۳ کلمه) هستند. همچنین، آیات ۸ تا ۱۱ از نظر محتوا و موضوع به‌طور کامل با آیات قبلی و بعدی خود مرتبط‌اند و در مجموعه آیات ششم تا سیزدهم، بر تبیین عظمت و قدرت الهی تأکید دارند (زرکلی، ۱۹۹۵م: ۱۱۸/۳).

ادعای تغییر موقعیت آیات در سوره ذاریات

رودول، ادعا می‌کند که آیات ۲۴ تا ۶۰ سوره ذاریات در جایگاه اصلی خود قرار نگرفته‌اند و در جریان جمع آوری قرآن در زمان عثمان به این موقعیت منتقل شده‌اند تا قرآن تعدیل مناسبی پیدا کند (رودول، ۱۸۷۶م: ۷۸).

اما این ادعا نیز به سادگی قابل رد است؛ چرا که با بررسی محتوای آیات ۲۴ تا ۶۰ درمی‌یابیم که این آیات به‌طور منطقی و طبیعی، مکمل موضوعاتی هستند که در آیات اول تا بیست و سوم سوره مورد بحث قرار گرفته‌اند. این پیوستگی نشان‌دهنده ساختار منطقی سوره است و تغییر محل این آیات را بی‌اساس می‌سازد.

وابستگی به نظرات نولدکه

رودول در تاریخ‌گذاری و طبقه‌بندی سوره‌ها به‌طور واضح از شیوه نولدکه پیروی می‌کند و مبانی و معیارهای او را به کار می‌گیرد. دیدگاه‌های او در این زمینه مستقل نیست و نوآوری خاصی به همراه ندارد. علاوه بر این، او نظرات پراکنده‌ای درباره شخصیت پیامبر(ص) و اقتباس قرآن از عهدین بیان

دین خالص الهی و تثبیت آن توسط پیامبر(ص) کمک می‌کند (ابن کثیر، ۱۳۷۹ش: ۲ / ۹۳).

نتیجه در مجموع، سوره‌های دوران وحی مدنی به‌عنوان بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت دینی و اجتماعی امت مسلمانان دارند. ویژگی‌های بلاغی و فصیح این سوره‌ها، به‌ویژه در آیات خطاب به رزمندگان، و تأکید بر قدرت پیامبر(ص) در تشریح احکام و رهنمودهای اجتماعی، نشان‌دهنده اهمیت این دوره در تاریخ اسلام است. نظرات نولدکه در تبیین ویژگی‌های سوره‌های مدنی به‌ویژه در جنبه‌های ادبی و اجتماعی، به‌طور کلی قابل پذیرش و مستند هستند.

بررسی و نقد روش نظریه رودول در تحلیل ترتیب سوره‌های قرآن

رودول، در سال ۱۸۷۶ میلادی، ترجمه‌ای از قرآن را در لندن چاپ و منتشر کرد، او سوره‌های قرآن را بر اساس ترتیب زمانی نزولشان تنظیم نمود، این رویکرد به‌طور مشخص تحت تأثیر روش و دیدگاه‌های تئودور نولدکه، قرآن‌شناس آلمانی، قرار داشته است، اما رودول در مورد ترتیب سوره‌های مربوط به طبقه اول دوران وحی مکی، از نظرات و اجتهادات شخصی خود استفاده کرده است (نولدکه، ۱۹۰۹م: ۵۵-۷۰).

دیدگاه‌های رودول درباره آیات کوتاه

رودول بر این باور است که آیات ابتدایی دوران وحی، معمولاً کوتاه هستند و بر اساس این دیدگاه، تلاش می‌کند جایگاه این آیات را در سوره‌های مختلف تعیین کند. او در تحلیل خود درباره سوره «ملک» معتقد است که آیات هشتم تا یازدهم پس از دیگر آیات نازل شده‌اند اما به دلیل طول بیشتر

۳. بلاشر سوره «اسراء» را در دوره سوم مکی قرار داده، در حالی که نولدکه آن را در ردیف دوره دوم مکی ذکر کرده است (بلاشر، ۱۹۵۵م: ۱ / ۳۸).

بلاشر در توجیه و تبیین تفاوت‌های ترتیب سوره‌ها در دوره نخست مکی بیان می‌کند: «من ترجیح داده‌ام سوره‌هایی را که با هم شباهت موضوعی دارند، در طبقه‌هایی مستقل گردآورم و آنگاه میان طبقه‌هایی که با یکدیگر بیشترین هماهنگی و انسجام را دارند، توالی و ترتیب برقرار نمایم (بلاشر، ۱۹۵۵م: ۱ / ۴۰).

مرحله اول

آغاز وحی مکی با شروع عبادت و شب زنده داری و دعا مقارن بوده است. شاید این امر به خاطر آن بوده است که مسلمانان نخستین، به گردآوری پنج سوره که مشتمل بر عبادات و ادعیه است احساس نیاز می کرده اند. یکی از آن سوره‌ها سوره (حمد) بود که فاتحه نامیده شد، زیرا در اسلام با این سوره باب عبادت گشوده می شود (بلاشر، ۱۹۵۵م: ۱ / ۴۱)

در مرحله دوم

میانی وحی مکی، بیست و دو سوره نازل شده است که سوره (کهف) آغازگر این دوره و سوره (نجم) پایان‌دهنده آن می‌باشد. ویژگی‌های این سوره‌ها به شرح زیر است:

طول و تنوع سوره‌ها

در این مرحله، سوره‌های نازل شده معمولاً مفصل و مشروح هستند و مطالب متنوعی را شامل می‌شوند. سوره «کهف» به‌عنوان یکی از سوره‌های طولانی این دوره، می‌تواند نمایانگر عمق و گستردگی موضوعات مورد بحث باشد.

کرده است که ارتباطی با تاریخ‌گذاری قرآن ندارد و به این دلیل نیازمند تحلیل و بررسی جداگانه است (زرکلی، ۱۹۹۵م: ۱۱۸ / ۳).

در نتیجه، تحلیل دیدگاه‌های رودول در مورد ترتیب سوره‌های قرآن نشان می‌دهد که او نتوانسته است به‌طور مؤثر و منطقی به مسائل تاریخ‌گذاری قرآن بپردازد. ادعاهای او مبنی بر تغییر موقعیت آیات و تأثیر طول آیات بر ترتیب آنها، فاقد شواهد مستند و منطقی است. به‌علاوه، وابستگی او به نظرات نولدکه موجب شده تا نتواند دیدگاه جدید و مستقلی ارائه دهد. در نهایت، بررسی دقیق‌تر آیات و سوره‌ها می‌تواند به درک بهتری از ترتیب و مضمون قرآن کمک کند.

بررسی و نقد روش بلاشر در تحلیل ترتیب سوره‌های قرآن

در ترجمه‌ی بلاشر، سوره‌ها به ترتیب تاریخی رده‌بندی شده‌اند، اما این ترتیب تنها در چند نکته با ترتیب و طرح نولدکه تفاوت دارد. و نظرات نولدکه درباره سه دوره مکی را به‌طور کامل می‌پذیرد (بلاشر، ۱۹۵۵م: ۱ / ۳۴).

اما در ترکیب خود با طرح نولدکه، تفاوت‌هایی به شرح زیر دارد:

۱. بلاشر دو سوره «ذاریات» و «قلم» را در آغاز دوره دوم مکی قرار داده است، در حالی که نولدکه آنها را در پایان دوره نخست مکی جای داده است (بلاشر، ۱۹۵۵م: ۱ / ۳۴).

۲. بلاشر سوره «انسان» را در دوره نخست مکی آورده است. (بلاشر، ۱۹۵۵م: ۱ / ۳۷).

صفات الهی

در سوره «الرحمن»، صفاتی نظیر ازلیت و ابدیت به خداوند نسبت داده می‌شود. این سوره با تأکید بر رحمت و عظمت خداوند، به تبیین ویژگی‌های الهی می‌پردازد و می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای از ادبیات بیانی قوی قرآن در این مرحله تلقی شود.

فاصله فکری و اعتقادی

فاصله اصول عقاید جامعه نوبنیاد اسلامی، که بر پایه تعالیم قرآن در مکه تأسیس شده، با گروه‌های مخالف به‌وضوح محسوس است. این فاصله فکری در آیات ۸۱، ۸۲، ۹۱ و ۹۲ سوره مؤمنون قابل درک است، جایی که قرآن به بیان تضادهای اعتقادی و چالش‌های میان مؤمنان و کافران می‌پردازد.

پاسخ به اهانت‌ها

به لحاظ مضمون، آیات مذکور به بی‌احترامی و اهانت کافران پاسخ می‌دهند و با دلایل قانع‌کننده حقیقت را به آنان گوشزد می‌کنند، این رویکرد نشان‌دهنده استحکام و قاطعیت در برابر ادعاهای مخالفان و تلاش برای تبیین اصول اعتقادی است (بلاشر، ۱۹۵۵م: ۱/ ۴۲-۵۰).

در نتیجه، ویژگی‌های مذکور در مورد سوره‌های مکی مرحله میانی، نشان‌دهنده عمق و غنای مفاهیم قرآنی در این دوره است. سوره‌های نازل شده به‌طور واضحی به مباحث اعتقادی، صفات الهی و چالش‌های اجتماعی و فکری پرداخته و به تأسیس یک بنیاد مستحکم برای جامعه نوپای اسلامی کمک

کرده‌اند. این نکات به‌طور کلی مورد قبول و خالی از اشکال به‌نظر می‌رسند و بر غنای فکری و معنوی قرآن تأکید دارند.

درمرحله سوم

وحی مکی، بیست و دو سوره نازل شده است. ویژگی‌های این سوره‌ها به شرح زیر است:

عدم تفاوت اساسی در محتوا

بین سوره‌ها و آیات این دوره و دوره پیش، هیچ‌گونه تفاوت اساسی در محتوا یا در روش مشاهده نمی‌شود. با این حال، برخی تعبیر این دوره به محتوای آیاتی که پس از سال ۶۲۲ میلادی نازل شده، شباهت دارد؛ به‌ویژه آیاتی که در دو یا سه سال آخر اقامت در مکه نازل شده‌اند. این شباهت ممکن است ناشی از شرایط اجتماعی و سیاسی خاص آن زمان باشد (بلاشر، ۱۹۶۴م: ۱/ ۱۱۲).

لحن اندرزگونه

لحن گفت‌وگوی آیات در این دوره، آهنگی اندرزگونه دارد. البته این روش در گذشته نیز به‌کار رفته است، اما تفاوت آن در مرحله سوم در تعمیم خطاب و گفت‌وگوست که به قشر خاصی از جامعه اختصاص ندارد. این ویژگی نشان‌دهنده گسترش مخاطبان و تلاش برای برقراری ارتباط با طیف وسیع‌تری از جامعه است (بلاشر، ۱۹۶۴م: ۱/ ۱۱۴).

طراحی سوره‌ها با تقسیم سه‌گانه

بلاشر بر این باور است که برخی سوره‌های قرآن در دوره سوم وحی دارای ساختار سه‌گانه «مقدمه، موضوع، نتیجه» هستند که این تغییر ساختاری را بازتاب نیازهای جدید پیامبر در

ریچارد بل و کینث کراگ بر این باورند که ویژگی‌های آیات مدنی نشان می‌دهد پیامبر در این دوره به نیازهای خاص جامعه مدینه توجه بیشتری داشته است (بل، ۱۹۹۱م: ۲۱۲/۱).

نقد ادعای برخی خاورشناسان پیرامون هماهنگی قرآن با نیازهای جامعه مدینه

با این حال، این ادعا با روش کلی قرآن ناسازگار است، چرا که قرآن در تمام سوره‌های مکی و مدنی خود، به مقتضیات زمان و مکان نزول پاسخ داده است. سوره‌های مکی نیز با تمرکز بر مفاهیم توحید، معاد، و اخلاق، نیازهای مخاطبان مکه را برآورده کرده و مسیر دعوت پیامبر را تعیین کرده‌اند (معرفت، ۱۳۷۶ش: ۱۰۹/۱؛ مطهری، ۱۳۸۷ش: ۴۵).

علامه طباطبایی معتقد است که هماهنگی آموزه‌های قرآن با نیازهای جامعه، محدود به دوره مدنی نیست و قرآن در تمامی مراحل وحی به مقتضیات زمانی و مکانی پاسخ داده است (طباطبایی، ۱۳۹۱ش: ۳۶/۷؛ مطهری، ۱۳۸۷ش: ۴۶).

بنابراین، اگرچه هماهنگی آیات مدنی با شرایط جامعه مدینه یکی از ویژگی‌های قرآن به‌شمار می‌آید، این هماهنگی مختص دوره مدنی نیست و در آیات مکی نیز مشهود است. قرآن از همان آغاز، به‌صورت جامع نیازهای جامعه مکه و مدینه را پوشش داده و هدایت خود را متناسب با زمان و مکان به بشریت عرضه داشته است. در نتیجه، فرضیه خاورشناسی که این هماهنگی را صرفاً به آیات مدنی محدود کرده‌اند، از شواهد کافی برخوردار نیست.

تحلیل و نقد روش هیوبرت گریم، پیرامون دسته‌بندی و تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن

دعوتش می‌داند. با این حال، این نظریه، علی‌رغم تلاش بلاشر برای نظم‌دهی منطقی سوره‌ها، او را در تقسیم‌بندی سوره‌ها و تاریخ‌گذاری آنها با چالش‌هایی روبرو ساخته است. ایراد اصلی در اینجا، فقدان توجیهات تاریخی یا علمی برای ترتیب و جابه‌جایی سوره‌هاست که تحلیل دقیقی از رابطه آنها با زمان نزول را دشوار می‌سازد (زرکلی، ۱۹۹۵م: ۱۱۸/۳).

ترتیب سوره‌ها در ترجمه بلاشر، با وجود پذیرش اصول کلی نولدکه، در جزئیات اختلافاتی دارد که به دیدگاه شخصی او در تاریخ‌گذاری اشاره دارد. اما عدم وجود توجیه علمی یا تاریخی برای این ترتیب، کاستی‌هایی را در تحلیل‌های او ایجاد کرده است. همچنین، انتظار وجود ساختاری یکنواخت از مقدمه، موضوع و نتیجه برای همه سوره‌ها نادرست به نظر می‌رسد، چراکه قرآن کریم در بیان خود، غالباً خطابه‌ای و موعظه‌ای بوده و هدایتگری بندگان هدف اصلی آن است. بنابراین، دیدگاه بلاشر درباره گسترش وحی از طریق این ساختار، نظریه‌ای شخصی است که با ویژگی‌های متنوع محتوای سوره‌های مکی در مرحله سوم و تحول روش دعوت پیامبر در تطابق کامل نیست (طباطبایی، ۱۳۹۱ش: ۲۵۲/۶؛ معرفت، ۱۳۷۶ش: ۸۲/۱).

تحلیل و نقد نظریات برخی خاورشناسان پیرامون ویژه‌گی‌های سورمدنی

آیات مدنی معمولاً دارای عباراتی طولانی‌تر و آهنگی منسجم در انتهای آیات هستند، که به اعتقاد برخی پژوهشگران، هدف از این تکرارها ایجاد هماهنگی در ادای پیام‌های الهی بوده است (مطهری، ۱۳۸۷ش: ۴۵ / ..).

با وجود تلاش شایان توجه هیوبرت گریم در طبقه‌بندی سوره‌های قرآن، برخی از دیدگاه‌های او با روایات معتبر اسلامی همخوانی کامل ندارد. استفاده از معیارهای ذوقی و تأکید بر آهنگ آیات، شیوه‌ای سلیقه‌ای است که در برخی موارد، مانند قرار دادن سوره «تبت» به عنوان نخستین سوره نازل شده، با منابع سنتی اسلامی ناسازگار است. بنابراین، هرچند پژوهش او از منظر تاریخی و ادبی حائز اهمیت است، اما به دلیل عدم انطباق کامل با مستندات اسلامی، نمی‌تواند به عنوان روشی جامع و مورد تأیید همگان تلقی شود (آرنولد، ۱۹۷۰: ۱۰۳).

گریم در تحلیل و طبقه‌بندی سوره‌ها به نتایجی مشابه نظریات تئودور نولدکه دست یافت و در بسیاری موارد با او هم‌نظر بود. با این حال، رویکرد او در ارزیابی روایات و اسانید، به دلیل عدم تمایز دقیق میان اسانید قوی و ضعیف، از دقت کافی برخوردار نبود. در نتیجه، او در برخی موارد به اسانید نامعتبر تکیه کرد که این امر موجب شده طبقه‌بندی او از منظر اسلامی استحکام لازم را نداشته باشد.

در مجموع، اگرچه گریم توانست مضامین مختلف قرآن را به دسته‌های جداگانه تقسیم کند و به تحلیل برخی مضامین چون توحید و معاد بپردازد، اما به دلیل استفاده از اسانید ضعیف و عدم دقت کافی در پالایش روایات، طبقه‌بندی او نتوانسته است به عنوان مدلی جامع و معتبر در مطالعات قرآنی پذیرفته شود.

تحلیل و نقد نظریه تحلیل انتقادی بر نظریه ریچارد بل پیرامون دسته بندی و تاریخ گذاری سورقرآن

هیوبرت گریم، خاورشناس آلمانی، طی سال‌های ۱۸۹۲ تا ۱۸۹۵ میلادی کتابی درباره زندگی پیامبر اسلام تألیف کرد که در آن به تحلیل زندگی حضرت محمد (ص) و ترتیب نزول آیات قرآن بر اساس معیارهای تئودور نولدکه و گوستاو وایل پرداخت. گریم برای نخستین بار دسته‌بندی مشخصی از سوره‌های قرآنی ارائه داد که شامل دو دسته سوره‌های مکی و یک دسته سوره‌های مدنی بود. او در تحلیل خود علاوه بر رویکرد تاریخی، بر روایات و اسانید اسلامی نیز تکیه داشت (گریم، ۱۸۹۵: ۵۵؛ آرنولد، ۱۹۷۰: ۱۰۰).

در این دسته‌بندی، دسته اول مکی به سوره‌هایی اشاره دارد که با اسلوبی موزون، موضوعاتی مانند توحید، قیامت، سعادت و شقاوت در حیات پس از مرگ و اختیار انسان را مطرح می‌کنند و مخاطبان خود را به تفکر در مباحث اعتقادی فرامی‌خوانند. دسته دوم شامل سوره‌های مکی با اسلوب موزون کمتر است که بیشتر به توصیف نعمت‌های الهی و سرگذشت اقوام گذشته پرداخته و واژه «رحمن» در آن‌ها تکرار شده است. دسته سوم، سوره‌های مدنی است که به احکام شرعی و تنظیم مناسبات اجتماعی توجه دارند (نولدکه، ۱۹۳۸: ۴۱-۴۲؛ آرنولد، ۱۹۷۰: ۱۰۱).

یکی از ویژگی‌های مهم طبقه‌بندی گریم، توجه به سبک و آهنگ آیات بود. او به‌طور مثال، سوره «لهب» را اولین، «علق» را دوازدهمین و «فاتحه» را هفتاد و نهمین سوره نازل شده دانسته و سوره‌های «انسان»، «رحمن»، «حج»، «رعد» و «بینه» را نیز در دسته سوره‌های مکی طبقه‌بندی کرده است (نولدکه، ۱۹۳۸: ۴۱-۴۲؛ آرنولد، ۱۹۷۰: ۱۰۱؛ گریم، ۱۸۹۵: ۵۶).

پژوهش‌های ریچارد بل، به‌ویژه در زمینه ترتیب و توالی سوره‌ها، هرچند به‌عنوان رویکردی نو و چالش‌برانگیز در مطالعات قرآنی مطرح شده است، اما ادعای او درباره نزول وحی به صورت واحدهای کوچک و تقسیم سوره‌ها به اجزای متعدد به دلیل نبود مستندات قانع‌کننده و مغایرت با اجماع مفسران اسلامی، از پذیرش گسترده‌ای برخوردار نشده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱/۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۹۲/۳۵۵).

بل در تلاش خود برای بازسازی ترتیب نزول و تحلیل ساختاری قرآن، هرچند به برخی دستاوردهای تحلیلی دست یافت، اما به دلیل اتکا به فرضیات ضعیف و نقد ناکافی از روایات، نظریه‌ای جامع و مورد قبول همگان ارائه نکرد. به‌عنوان نمونه، او مدعی بود که برخی آیات به دلیل نوشته شدن در پشت اوراق دیگر به‌طور تصادفی در مکان نامناسبی قرار گرفته‌اند و از جمله به آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت، ۱۶ تا ۱۹ سوره انشقاق و ۱۷ تا ۲۰ سوره غاشیه اشاره کرد که از نظر او ارتباطی با آیات پیرامون خود ندارند (بل، ۱۹۵۳: ۹۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۱۷۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳/۹۳).

با این حال، نظریه بل مبنی بر جابه‌جایی آیات و تغییرات در متن قرآن، به دلیل عدم ارائه شواهد متقن و مغایرت با منابع تاریخی و اجماع تفسیری، نتوانست جایگاه مستحکمی در میان پژوهش‌های قرآنی بیابد. متون تفسیری و منابع روایی معتبر اسلامی تأکید دارند که ترتیب و جایگاه آیات تحت نظارت خاصی انجام شده و از همان ابتدا مورد تأیید مفسران اولیه بوده است (ابن کثیر، ۱۴۲۲ق: ۱/۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۹/۱۸۳؛ طوسی، ۱۴۰۹ق: ۹/۳۲۳؛ زمخشری، ۱۴۱۵ق: ۶/۱۰۴).

ریچارد بل، خاورشناس برجسته اسکاتلندی، ترجمه‌ای روان از قرآن کریم به همراه توضیحات جامع و انتقادی در دو جلد ارائه کرده است. وی در این اثر، ترتیب و توالی سوره‌ها را با روش‌های انتقادی بازنگری کرده و در سال ۱۹۵۳ با انتشار کتاب «مقدمه‌ای بر قرآن»، این ترجمه را تکمیل نمود. این کتاب در هشت فصل به موضوعاتی همچون تاریخ پیامبر اسلام (ص)، منشاء و گردآوری قرآن، ساختار و سبک بیانی قرآن، تنظیم سوره‌ها، ترتیب نزول آیات و مراحل تکمیل قرآن پرداخته است. بل، در فصل ششم، با نقد دیدگاه‌های نولدکه، مویر، بلاشر و گریم، تحلیل خود را بر مبنای معیارهای نولدکه ارائه کرده است (بل، ۱۹۵۳: ۳۱-۳۲، ۶۵؛ نولدکه، ۱۹۳۸: ۴۷-۴۸).

بل برخلاف دیدگاه رایج، واحد وحی را نه به شکل یک سوره کامل، بلکه به صورت واحدهای کوچک‌تر (یک یا چند آیه) می‌دانست. او سوره‌ها را به اجزای فرضی تقسیم کرده و برای هر قسمت تاریخی مستقل پیشنهاد داده است، به‌گونه‌ای که برخی آیات را به سوره‌های مختلف نسبت داده و بر این باور بوده که قرآن تحت بازنگری‌های متعددی قرار گرفته است. وی همچنین احتمال داده که برخی آیات به‌طور اتفاقی روی اوراق حاوی آیات دیگر نوشته شده و این اشتباهات توسط کاتبان بعدی تکرار شده است (آرنولد، ۱۹۷۰: ۱۰۵؛ بل، ۱۹۵۳: ۹۴).

با این حال، بل برای این ادعاها مدرک قانع‌کننده‌ای ارائه نکرده و در حالی که نزول کامل برخی سوره‌ها در یک مرحله، امری اجماعی میان مفسران اسلامی است، دیدگاه او در این مورد نتوانسته تأیید لازم را به دست آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱، ۱۸۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲، ۱۷).

اشارات تاریخی به نظر مویر، سوره‌هایی که به رویدادهای تاریخی خاص اشاره دارند، می‌توانند به شناسایی زمان نزولشان کمک کنند. برای نمونه، اشاره به نبرد بدر در سوره انفال و یادکرد غزوات در سوره‌های دیگر (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۱۲۲/۸؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲ق: ۷۱/۳).

ترکیب وحی در سوره‌ها

مویر می‌گوید برخی سوره‌ها شامل آیاتی هستند که به دوره‌های مختلف زندگی پیامبر مربوطند. او معتقد است که این جابه‌جایی‌ها موجب می‌شود در برخی موارد تعیین زمان دقیق نزول آیات ممکن نباشد. او سوره‌ها را به شش طبقه تقسیم کرده که پنج طبقه آن‌ها مکی و طبقه ششم مدنی است (مویر، ۱۹۶۵م: ۴۷).

در دسته‌بندی مویر، طبقه نخست شامل هجده سوره کوتاه و شورانگیز همچون عصر، عادیات، زلزله، شمس، قریش، فاتحه، قارعه، و تین است. او احتمال می‌دهد این سوره‌ها پیش از آغاز رسمی بعثت پیامبر آماده شده باشند، زیرا به‌زعم او ویژگی‌های پیام الهی را ندارند (مویر، ۱۹۶۵م: ۴۸). این نظر از سوی منابع تفسیری و تاریخی اسلامی مردود دانسته شده، زیرا سوره فاتحه به عنوان نخستین سوره وحی شده در مکه با ویژگی‌های پیام الهی شناخته می‌شود (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۳۶/۱؛ طوسی، ۱۴۰۹ق: ۹۸/۵).

پژوهش ویلیام مویر در زمینه ترتیب تاریخی سوره‌های قرآن با چندین چالش اساسی مواجه است. نخست اینکه او شواهد قانع‌کننده‌ای برای نظریه خود ارائه نمی‌کند؛ در حالی که تمام سوره‌های قرآن، از جمله هجده سوره‌ای که مویر از آنها یاد می‌کند، در منابع اسلامی به‌عنوان وحی الهی و نازل شده در

تحلیل و نقد روش ویلیام مویر پیرامون دسته‌بندی و تاریخ گذاری سوره‌های قرآن

ویلیام مویر در پژوهش‌های خود پیرامون ترتیب تاریخی سوره‌های قرآن، بر این باور است که هرگونه تلاش برای تعیین دقیق و قطعی ترتیب سوره‌ها به نتایجی حدسی و تقریبی منجر می‌شود. او برای نزدیک شدن به واقعیت تاریخی، چند معیار را پیشنهاد می‌کند:

سبک و اسلوب سوره‌ها

به گفته مویر، سوره‌های اولیه وحی لحنی تند و شورانگیز دارند و اغلب کوتاه هستند. او معتقد است که سوره‌های نثرگونه و داستانی به دوره میانی وحی تعلق دارند و سوره‌های دارای احکام شرعی به دوره مدنی مربوطند (مویر، ۱۹۶۵م: ۴۵).

اما این ادعا با واقعیت تاریخی سازگار نیست؛ به‌طور مثال، در سوره مکی «اعراف» آیات ۳۱ تا ۳۳ به احکام شرعی می‌پردازند، و در سوره «انعام» نیز به موضوعات شرعی مانند احکام ثمرات و حیوانات اشاره شده است (طبرسی، ۱۴۰۹ق: ۱۴۱/۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲۹۵/۸).

محتوا

مویر بر این باور است که محتوای سوره‌های مکی به بت‌پرستان، یهودیان و مسیحیان مکه خطاب دارد، در حالی که در سوره‌های مدنی، بیشتر به مسائل اجتماعی و دستوره‌های مدنی خطاب شده است (مویر، ۱۹۶۵م: ۴۶). هرچند این تقسیم‌بندی به برخی تفاوت‌های موضوعی اشاره دارد، اما نمی‌تواند معیار کاملی برای تشخیص دقیق ترتیب سوره‌ها به حساب آید (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۴/۱).

پژوهش‌های مویر، با استناد به معیارهای نامعتبر، کمتر مورد قبول محققان اسلامی قرار گرفته و بر اساس منابع اسلامی، قرآن یکپارچه، وحیانی و از جانب خداوند به پیامبر نازل شده است، و تفاوت طول یا سبک سوره‌ها نمی‌تواند دلیلی برای نفی الهی بودن بخشی از آن باشد (ابن کثیر، ۱۴۲۲ق: ۴/۱۲۷؛ طوسی، ۱۴۰۹ق: ۳/۹۹).

نتیجه‌گیری

پذیرش بخشی از سوره‌های قرآن به‌عنوان وحی الهی و نادیده گرفتن بخش‌های دیگر به‌رغم شباهت‌های ساختاری و محتوایی، هیجان‌آوری، طول یا کوتاهی آیات، و چینش متفاوت آیات و سوره‌ها، رویکردی است که نه تنها در منابع اسلامی پشتیبانی نمی‌شود، بلکه با کلیت آموزه‌های اسلامی پیرامون قرآن ناسازگار است. به‌طور کلی، هر نوع تفسیر و طبقه‌بندی محتوایی در خصوص سوره‌های قرآن مستلزم شواهدی واضح و مستدل در مورد الهی یا غیرالهی بودن آن‌ها است؛ امری که در آثار هیچ یک از خاورشناسان برجسته همچون نولدکه، آگوست، وایل، رژی بلاشر، رودول مویر، آر هرشفلد، ریچارد بل و جان گریم به‌طور قانع‌کننده‌ای ارائه نشده است.

این پژوهش به نقد و تحلیل رویکردهای خاورشناسان در تاریخ‌گذاری آیات و سوره‌های مکی و مدنی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دیدگاه‌های خاورشناسان در این حوزه به دلیل تفاوت در رویکردهای تحلیلی و پیش‌فرض‌های فرهنگی و مذهبی، در بسیاری موارد از انسجام و یکپارچگی علمی لازم برخوردار نیستند. برخی از محققان غربی با تأکید

دوران نبوت پیامبر اسلام شناخته شده‌اند (زمخشری، ۱۴۱۵ق: ۲۳/۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۳۶۹/۱۰).

از سوی دیگر، مویر با دسته‌بندی برخی سوره‌های کوتاه و شورانگیز به‌عنوان سوره‌های پیش‌بعثت، این هجده سوره را فاقد ساختار الهی می‌داند؛ اما این ادعا با اذعان او به الهی بودن برخی دیگر از سوره‌های مشابه مانند سوره‌های ناس و فلق، تناقض دارد (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱/۲۳۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳/۱۲۵).

در واقع، پذیرش بخشی از قرآن به‌عنوان وحی الهی و نادیده‌گرفتن الهی بودن سایر سوره‌ها، تناقض آشکاری در دیدگاه مویر ایجاد می‌کند. از منظر اسلامی، وحیانی بودن کل قرآن امری مسلم است و پذیرش بخشی از آن به‌عنوان کلام خدا، مستلزم پذیرش تمامی آن است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ۱/۴۵؛ معرفت، ۱۴۱۵ق: ۱۳۵ و ۱۷۰).

ادعای دیگر مویر مبنی بر آماده‌سازی برخی سوره‌های کوتاه پیش از بعثت، با یافته‌های تاریخی و منابع تفسیری اسلامی همخوانی ندارد. این سوره‌ها به‌عنوان نخستین وحی‌های نازل‌شده در دوران نبوت و به‌عنوان معجزات زبانی الهی شناخته شده‌اند (سجستانی، ۱۴۰۷ق: ۴۰). در نتیجه، با وجود معیارهای تقریبی مویر، تلاش او برای ارائه ترتیب تاریخی سوره‌های قرآن بر مبنای فرضیات ناپایدار و فاقد مستندات کافی است.

منابع اسلامی تأکید دارند که نظم کنونی قرآن از دوران پیامبر اسلام تثبیت شده و با نظارت ایشان حفظ و تدوین شده است (سجستانی، ۱۴۰۷ق: ۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۱/۵۶؛ زمخشری، بی‌تا: ۳۹۸/۲).

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول
آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای
ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- ابن اشته، احمد بن علی. (۲۰۰۳). المصاحف. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ابن رشیق، عبدالرحمن. (بی‌تا). عمدة الحیوان. بیروت: دار الکتب العلمیة، جلد ۲، صفحه ۶۰-۵۴.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۲۲ق). تفسیر القرآن العظیم. ریاض: دار طیبه.
- ابن کثیر، اسماعیل. (۱۳۷۹). تفسیر قرآن العظیم. ریاض: دار التقوی.
- ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری. بیروت: دار صادر.
- آرنولد، توماس. (۱۹۷۰). اسلام و تمدن اسلامی. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- آرنولد، توماس. (۱۹۷۰). اسلام و تمدن اسلامی. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ألوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۳۷۵). صحیح بخاری. بیروت: دارالفکر.
- بدوی، عبدالرحمن. (۱۳۷۱)، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاکرند.
- نولدکه، تئودور. (۱۹۹۸). خاستگاه‌های قرآن، به کوشش ابن وراق.
- بدوی، عبدالرحمن؛ (۱۹۹۸)، دائرة المعارف مستشرقان، ترجمه صالح طباطبایی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بدوی، عبدالرحمن؛ (بی‌تا)، دفاع عن القرآن ضد منتقدیه، قاهره: الدار العالمیة للکتب و النشر.
- بدوی، عبدالرحمن؛ (۱۳۶۲ ش)، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاکرند، تهران: مؤسسه مطبوعاتی مطهر.

بر روش‌های تاریخی و انتقادی تلاش کرده‌اند دوره‌های
مختلف وحی را بر اساس شواهد تاریخی و زبان‌شناختی
تفکیک کنند؛ اما این رویکردها به دلیل عدم تطابق کامل با
مبانی سنتی اسلامی، چالش‌ها و اختلافات متعددی را به
وجود آورده است.

از منظر علمی، پژوهش‌های خاورشناسان در این حوزه دارای
نقاط قوتی مانند ارائه دیدگاه‌های متنوع و بهره‌گیری از
رویکردهای میان‌رشته‌ای نظیر زبان‌شناسی تاریخی و مطالعات
تمدنی است. با این حال، چالش‌های اساسی نیز وجود دارد؛ از
جمله وابستگی برخی از این پژوهش‌ها به نظریه‌های قدیمی،
محدودیت در دسترسی به منابع اولیه اسلامی، و سوگیری‌های
فرهنگی. در نهایت، این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که برای
دستیابی به فهمی جامع‌تر و دقیق‌تر از تاریخ‌گذاری آیات و
سوره‌های قرآنی، ضروری است که بازنگری روش‌شناسانه‌ای
صورت گیرد و بستری میان‌رشته‌ای و بی‌طرفانه شکل گیرد
که از تعاملات علمی میان محققان اسلامی و غربی بهره‌مند
شوند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت معنوی در
اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه
نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و
علمی سپاسگزاری می‌شود.

- بل، ریچارد. (۱۹۵۳). مقدمه‌ای بر قرآن. لندن: انتشارات دانشگاه ادینبورگ.
- بل، ریچارد. (۱۹۹۱). قرآن و سیر تحولات آن. ترجمه کمال پویان. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و دانشگاهی.
- بل، ریچارد؛ (۱۳۸۲ ش)، درآمدی بر تاریخ قرآن، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، قم: مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی.
- بلاشر، (۱۹۶۴). تاریخ قرآن، جلد ۱، انتشارات شادروان .
- بلاشر، آنتوان. (۱۹۵۵). ترجمه قرآن، پاریس: نشر علم.
- جرجانی، عبدالقاهر. (بی تا). دلائل الإعجاز. بیروت: دار الجیل.
- جرجانی، عبدالقاهر؛ (۱۳۹۸ ق)، أسرار البلاغ، بیروت: دارالمعرفة.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ (۱۳۶۷ش)، وسائل الشیعه، ج ۴، کتاب الصلاة، روایات باب اول از ابواب القراءة فی الصلاة، چاپ ششم، تهران: چاپخانه اسلامی، رودول، (۱۸۷۶). ترجمه قرآن، لندن: مطبوعات لندن.
- ریچارد بل، (۱۳۸۲ش)، درآمدی بر تاریخ قرآن، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، قم: مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان‌های خارجی.
- زرکلی، خیرالدین. (۱۹۹۵). الأعلام، بیروت: دار العلم للملایین.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۵ق). الکشاف عن حقائق التنزیل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ (۱۴۱۸ ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالفکر.
- سجستانی، ابو عبدالله. (۱۴۰۷ق). کتاب المصاحف. قاهره: دار الفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین؛ (بی تا)، الاتقان فی علوم القرآن، جلد ۱، نوع هفتم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴ش). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۱). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، ابوالقاسم. (۲۰۰۶). المعجم الكبير. بیروت: دار الحديث.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۹ق). مجمع البیان. بیروت: دار المعرفة.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۶). تاریخ پیامبران و پادشاهان (تاریخ الرسل و الملوك). ترجمه شده توسط فرانتس رُستال. کمبریج: انتشارات دانشگاه هاروارد.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). تاریخ طبری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طبری، محمد بن جریر. (۲۰۰۱). تاریخ الامم و الملوك. ترجمه‌ای به زبان فارسی: تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علی الصغیر، محمد حسین؛ (۱۴۱۳ق)، المستشرقون و الدراسات القرآنیة، چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الكبير. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۹۰). تفسیر القمی. تهران: مؤسسه فرهنگی دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ (۱۳۶۵ ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گریه، هیوبرت. (۱۸۹۵). محمد، تاریخ و وحی. برلین: انتشارات دانشگاه برلین.
- الموردی، احمد. (۱۳۷۸). تفسیر قرآن: مطالعه‌ای در سبک و ساختار قرآن. قاهره: دار المعارف.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). وحی و نبوت. تهران: انتشارات صدرا، ص ۴۵.
- معرفت، محمد هادی؛ (۱۴۱۵ق)، التمهید فی علوم القرآن، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۶). التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- الموردی، علی بن محمد. (۱۳۷۸). (قانون حکومت در اسلام، ترجمه، محمدجواد غفاری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مویر، ویلیام. (۱۹۶۵). زندگی محمد و تاریخ نزول قرآن. لندن: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
- نولده، تودور. (۱۸۶۰م و ۱۳۹۳)، تاریخ قرآن. ترجمه‌ای به زبان فارسی: تهران: مؤسسه فرهنگی دارالکتب الاسلامیه.
- نولده، تودور. (۱۹۳۸). تاریخ قرآن. ترجمه سید علی قاضی عسکر. تهران: مؤسسه انتشارات علمی و فرهنگی.

نولدکه، تئودور، (1909 م)، تاریخ قرآن، چاپ دوم، برلین .

نولدکه، تئودور؛ (۱۹۹۸)، ریشه‌های قرآن، ویرایش امین ورق، نیویورک: انتشارات پرومیتوس.

وات، دبلیو. مونتگمری؛ (۱۹۸۶)، القرآن، در دانشنامه اسلام، لیدن: انتشارات ای. جی. بریل.

وایل، ویلیام. (۱۲۸۶). ساختار قرآن: مطالعه‌ای در ویژگی‌های ادبی و تماتیک آن. نیویورک: انتشارات آکسفورد.

